

بدیهی است که آن وقت ملاحظه این بود که کسانی که با ایشان هم قدم بودند و هم خیال بودند آنها را بکار منصوب میکردند آنوقت دیگر صحبت مسلک صحبت اکثریت در کار نبود همین قدر که فلان شخص برای فلان کار خوب است کافی بود برای سپردن يك كاری با و همین ترتیب کابینه تشکیل شد و مشغول کار شد و مجلس عالی تبدیل بهیئت مدیره شد بعد مجلس تشکیل شد در وقتی این وزراء مشغول کار شدند که هنوز پارلمانی نبود اکثریتی در کار نبود که داخل در اینکار شده بودند و نمی دانستند که ام فرقه اکثریت دارد با عملیات وزراء موافق با مقصود آنها است یا نیست و این مطلب را هم میخواهم عرض کنم و نگفته نگذارم که این آقایانی که انتخاب شده اند از بلاد دور کاری بترتیب انتخاب آنها نداریم بطوری که گفتند اینها از روی يك مسالك مستقیمه انتخاب نشده اند که مثلاً چهل نفر وکیل از روی فلان مسالك انتخاب شده باشد و اینجا وارد شود برود روی صندلی خود بنشیند سه چهار ماه کار میکند یکمده و وکیل هم از يك مسلك دیگر انتخاب شده باشند آنها هم مدتی روی صندلی خودشان بنشینند و کار بکنند بعد از مدتی افق خیالات سیاسی آنها قریب بهم که شد آنوقت تشکیل یکدسته بدهند والا اول وحله من نمیدانم دموکراتم نمیدانم اعتدال هستم چه هستم و وقتی هم که وارد طهران شدم آنوقت عنوان انقلاب و اعتدال بود و هر کس بمن میگفت تو چه مسلکی داری من جواب نمیدادم و منتظر بودم که هر چه وجدانم حکم کند آن مسلك من است و از طرف دیگر چیزهای دیگر میگفتند و جوابی نمیدادم و بدیهی است که خیلی از اینکه و کلاینها وارد شوند يك جائی نداشتند که در آنجا مجتمع شوند و مذاکرات بکنند و هر کدام مسلک خودشان را بدانند و بروند و بروی صندلیشان بنشینند معلوم است که از روی این طریقه نبود پس محل اجتماع اینها مجلس بود که در اینجا جمع شدند آنوقت مذاقشان کم کم معلوم شد و دسته های مختلف تشکیل شد آنوقت یواش یواش بنای پاره اقدامات شد کابینه سپهدار بنای بحران گذاشت و مخالفت آنها با وزراء کم کم سبب شد از برای اینکه کابینه سپهدار بنای بحرانهای بیایی را گذاشت و گمان نمیکند بکنند از اهل این مملکت باشد که بتواند بگوید آن کابینه سپهدار اکثریت داشت اما اینکه شاهزاده سلیمان میرزا گفتند کابینه سپهدار را کی عقب کردو کی حمله باو کرد بنده عرض میکنم که ظاهراً روزنامه های آن روزها تماماً تاریخ یومیه ماست و اگر آنها را جلوی خودمان بگذاریم معلوم میشود که حمله از کدام طرف بود و این شبهه نداشت که در کابینه آقای مستوفی الممالک اینهم مملکت حال آنارشستی پیدا کرده بود در خیابانها علناً در روز روشن آدم میکشند چنانچه مرحوم میرزا علی محمد خان را کشتند مرحوم میرزا عبدالرزاق خان را کشتند مرحوم آقاسید عبدالله را بآن وضع شهید کردند و همین ترتیبات را فراهم آوردند و آن کابینه که تشکیل شد هر يك وزارت خانه او بيك ملاحظه بود که انتخاب شدند يكي بملاحظه انتساب به اقلیت بود يكي بملاحظه انتساب بفلان تنقید يكي بملاحظه انتساب به اکثریت يكي برای اینکه بنده خوشم بیاید يكي برای اینکه شاهزاده سلیمان میرزا خوشش بیاید وقتی که يك چنین کابینه تشکیل شد بدیهی است

و طبیعی است که در يك همچو مملکتی که حکم مت ملی است که هر وزیرش بيك ملاحظه بوده يك چنین کابینه برای مملکت چه میکند همان چیزی را میکند که شده است پس آن کابینه دوم هم کابینه اکثریت نبود پس از آنروز تا حالا هم اقداماتی که شد بواسطه این بود که کابینه اکثریت نبود که ترتیب مشروطیت در مملکت می بسایست تشکیل شود و اینکه من بگویم من هستم و ۴۸ رأی و این کلمه را هم در منزل آقای نایب السلطنه گفتم من تصور نمی کنم که آنقدر بی مدرك باشم که بگویم ۴۸ رأی هستم ما و مسئول ملت هستیم همچنین کلمه را بنده نمی گویم مسئول مملکت وزرا هستند و هیئت مجلس وقتی که من گفتم من هستم و ۴۸ رأی و شاهزاده سلیمان میرزا گفتند من هستم و ۲۱ رأی نه اینکه مسئولیت بعهده من است بعهده ایشان نیست همانطوریکه من باید خدمت بکنم شاهزاده سلیمان میرزا هم باید خدمت بکنند همانطوری که گفتند باید یا تنقید بکنند یا (کرتيك) بکنند (بخيال ارباب اینجا است) و همانطوری که اکثریت باید کابینه را حفظ بکند اقلیت هم نباید در پی این باشد که هرروزه حمله بکند بکابینه و جلو گیری از اقدامات کابینه بکند بواسطه اینکه اگر بنشیند هی سنگ جلو راه کابینه انداخت لا بد کابینه از کار خواهد افتاد بواسطه اینکه کابینه روئین تن نیست که هر قدر سخت باشد از کار خواهد افتاد باید اقلیت تبعیت اکثریت را بکنند و اگر اکثریت لغزش دارد اکثریت را متنبه بکند اگر واقماً چیزی از طریقه اقلیت و اکثریت گذاشت و از مجلس خارج شد آن وقت اقلیت بنای حکومت را گذاشت در خارج جلوی قانون را نگیرد اگر يك چنین ترتیبی شد آنوقت گمان میکنم این يك مسئولیت بزرگی است و اقلیت هم مسئول است باید اقلیت هم وظیفه خودشان را بدانند وقتی که يك قانونی گذشت ولو برضد عقیده اقلیت بود نباید جلو گیری از پیشرفت و اجرای آن بکنند فقط جلو لغزش اکثریت را باید بگیرند اینها همه وظیفه اقلیت است و اقلیت و اکثریت هر دو مسئول میباشد و باید خودشان را مسئول این ملت بدانند و نفع و ضرر مملکت را جمع بگردانند و اما راجع به روز و ظهور که فرمودند من خیلی دلم می خواهد که خودشان را معرفی کنند مثلاً حاج آقا یا دیگری بیاید بگوید من هستم و فلان هست و فلان هست من تصور نمیکنم در هیچ پارلمانی در هیچ مملکتی يك فرقه همچو تسلطی نسبت بفرقه دیگر داشته باشد که بگوید شما بیاید عده خودتان را بشمارید من می خواهم امشب بشمارم و بدانم گویا هستم خصوصاً يك چنین هیئتی که خودشان می فرمایند ما اقلیتیم يك چنین حکومتی به اکثریت می کند که من می خواهم شما را بشناسم که شما کیه استید خیر بنده عده خودم را بشناسم شما را و هر گز هم نمی خواهم بدانم که شما چند نفر هستید برای اینکه من همیشه عقیده را از روی رأی و از روی حرف زدن می دانم دیگر لازم نیست که بگویم شما جزء کدام فرقه هستید خصوص کسیکه همیشه در پارلمان است لازم است که خودش را معرفی بکند که من اجتماعيون اعتدالون هستم یا اینکه از فرقه دموکرات هستم بواسطه اینکه اگر من گفتم از فرقه اعتدال و بعد رأی مطابق دموکراتها بدهم

باید دموکرات مرا از خودش بدانند و همین طور کسی که خودش را از فرقه دموکرات بداند وقتی که رای بدهد مطابق آراء اجتماعيون اعتدالون من بیاید او را از اعتدالون بدانم و او صد مرتبه بگوید من از فرقه دموکرات هستم و همچنین يك حکومت دیگر هم کردند که احزاب هم بیایند خودشان را معرفی بکنند بگویند ما چند حزب هستیم و چند نفر هستیم در هر يك از احزاب اینهم خیلی فریب است که خودشان را بیایند از روی عده و عقیده بشمار بشناسند بجهت اینکه چنانچه عرض کردم مسلک از روی عقیده معلوم می شود و در هیچ جای عالم ظاهر این معنی نباشد که يك فرقه بيك فرقه دیگر بگویند که می خواهم شما را بشناسم که شما ها کی ها هستید حکماً شما خودتان را بشمارید که من هستم فلان است فلان است این معنی حکومت اقلیت بر اکثریت است .

رئیس شرحی مفصل از لزوم تشخیص احزاب (خاصه حزب اکثر و تعیین رؤساء و ناطقین) شان و کاندیدائی که حزب اکثر برای وزارت در نظر دارد بیان فرموده و لزوم تکیه کردن وزارت با اکثریت مجلس و دفاع اکثر از وزراء و این که بدون ترتیب کار پیش نمی رود و تاکنون هم علت پیش رفتن کارهای ایران همین مسئله بود فرمودند و بالاخره گفتند فردا و پس فردا افکار خود را صاف کرده و تکلیف بنده را در ۳شنبه معین کنید که بتوانم حضور آقای نایب السلطنه عرض بدارم و مادامی که وزرای جدید معرفی نشده اند همانطور که والا حضرت در دستخط خود اشاره فرموده اند این وزراء باید مشغول کار باشند دستور جلسه آتی شور در قانون محاسبات عمومی راپورت کمیسیون نظام راجع باخذ سوار از ایلات قانون قبول و نکول پروات قانون ثبت اسناد ۲ ساعت و نیم از شب گذشته رئیس حرکت کرد و مجلس ختم شد .

### جلسه ۲۱۳

#### صورت مشروح مذاکرات روز

سه شنبه ۲۱ شهر صفر المظفر ۱۳۲۹

مجلس دو ساعت و ربع از غروب بریاست آقای متین السلطنه نایب رئیس تشکیل شد .

صورت مجلس روز شنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمود .

(غائبین جلسه قبل) - آقا شیخ ابراهیم زنجانی با اجازه غائب .

آقا شیخ عملی فارسی - آقاسید محمد باقر ادیب - آقا میرزا ابراهیم قمی بموقع حاضر نشده آقای اسان الحکماء مریض بودند .

نایب رئیس - در صورت مجلس اگر ملاحظاتی هست بفرمائید .

آقا میرزا احمد - عرض بنده راجع بصورت مجلس نیست میخواستم تقاضا بکنم تلگراف آذر بایجان خوانده شود .

نایب رئیس - این فرمایش جناب عالی راجع بصورت مجلس نبود و بعلاوه آن تلگرافات بکمیسیون عرایض فرستاده شد در صورت مجلس اگر



ملی است برای این که جمع یک تعدیلی است که بر ملت میشود و مجلس شورای ملی مرکب است از نمایندگان ملت یعنی از آن اشخاصی که مالیات بر آنها تحمیل میشود باید جمع مملکت را مجلس تصویب بکند و همانطوری که باید مالیات را یعنی درآمد و عایدات مملکتی را تصویب بکنند و بر موکلین خودشان تحمیل نمایند باید خرج را هم تصویب بکنند ولی مسئله محاسبه خودش مستقلاً یک مطلب دیگری است که راجع است بصحت و سقم اعمال راجع است باخلاق اجتماعی ملت که باید به بیند که آیا آن مباشرین و آن محاسبین درست از عهده بر میآیند یا این که نمی‌توانند درست از عهده بر بیایند رسیدگی بیک همچو کاری معلوم است که هم حق مجلس شورای ملی است و هم حق مجلس سنا و اگر بطور مبالغه اعتقاد بکنیم برای آن که هر آنچه که مربوط است و هر چیزی که نسبتش را می‌توان بمالیه داد مختص است بمجلس شورای ملی این واقعاً خیلی مبالغه است مثلاً اگر مالک مجمع ادبانی میداشتیم برای تنقیح و تصفیه زبان فارسی و در ضمن صحبت می‌خواست متوجه بشود بالفاظ و کلماتی که راجع است بامور مالیه آنوقت مجلس می‌بایستی مدعی بشود که این مختصات مجلس ملی است خصوصاً این که یکی دو ماده است در قانون اساسی که صراحت کامله دارد برای اینکه مجلس سنا می‌تواند بمحاسبات مملکتی مداخله بکند مثل این که اصل (۳۲) قانون اساسی می‌گوید که مجلس سنا حق رسیدگی در تمام امور مملکتی دارد و البته محاسبه را نمی‌توان از امور کلیه مملکت مجزا کرد در یک اصل دیگر می‌نویسد که وزیر و ردها مسئول مجلسین هستند وقتی که می‌گویند وزیر و ردها مسئول مجلسین هستند یعنی همه وزراء چیزی که راجع است بامور مالیه راجع بمجلس شورا باشد آنوقت می‌بایستی بگویند که وزراء مسئول مجلسین هستند با استثنای وزیر مالیه که او فقط در مقابل مجلس شورای ملی است برای اینکه وقتی گفتند تمام امور راجعه بمالیه حتی محاسبه هم راجع بمجلس شورای ملی آنوقت در چه مورد وزیر مالیه مسئول مجلس سنا خواهد بود؟ فرض این دو مواد هم نبود فرض فرمائید که مجلس شورای ملی مرکب است از نمایندگان ملت مجلس سنا مرکب است از یک قسمت نمایندگان ملت و یک قسمت از نمایندگان قوه مجریه و ایندو هیئت هم واضح است که برای این هستند که نظارت و رسیدگی بکنند در کلیه امورات خصوصاً بمحاسبات مملکتی در اینصورت نمیتوان گفت باینده هیئت که شما از آن در که این مجلس مجلس ملی است باید در محاسبات نظارت بکنید و از آن در که این مجلس مجلس سنا است نباید نظارت بکنید البته آنها اینکه از ملت برای عضویت مجلس سنا انتخاب میشوند حق دارند بامر محاسبات رسیدگی بکنند در اینخصوص حق این دو مجلس یکی است حتی اگر در یک محاسبه مجلس قانع بشود که این محاسبه صحیح است ولی مجلس سنا قانع نشود باز حق دارد که مجلس سنا که آنرا رد نماید و مجلس شورا نمیتواند بگوید چون این راجع بامر مالیه است مختص بملی است و من چون

قانع شدهام شما دیگر حق اعتراض ندارید و همچنین اگر مجلس سنا در امر محاسبه یک تناقضی تصور بکند ملاحظاتی خود را بمجلس شورای ملی پیشنهاد میکند مجلس شورا موافقت با آن ندارد نداشته باشد مجلس سنا میتواند ملاحظاتی خود را تعقیب بکند مثلاً تریاک را مجلس ملی مثلاً سه شاهی تصویب میکند در اینخصوص اگر ملاحظاتی مجلس سنا موافقت نکرد با ملاحظاتی مجلس ملی البته ملاحظاتی او ظرف اعتبار نیست و هم چنین در تصویب خرج آن باید مجلس ملی تصویب نکند ولی در آن اعتباری که مجلس ملی در آنخصوص بهیئت وزراء داده است مجلس سنا حق دارد رسیدگی بکند و اگر قانع نشد حق دارد بگوید که این محاسبه صحیح نیست پس باین دلیل مجلس سنا هم مثل مجلس شورا حق دارد بمحاسبات رسیدگی بکند حالا اگر در اینخصوص میگفتند که مجلس سنا و مجلس ملی علیحده علیحده بحساب رسیدگی بکنند معلوم است که اینکار تولید چه اشکالاتی خواهد کرد برای اینکه ممکن بود یکجائی را مجلس ملی صحیح بداند ولی مجلس سنا آنرا صحیح نداند از اینجهت گفته اند که کمیسیون تشکیل بشود مرکب از اعضاء مجلس و دیوان محاسبات و در نقرز مجلس سنا که اینها با اتفاق هم رسیدگی در آنخصوص بکنند و اکثریت آن کمیسیون رقم اختلافات بشود

**حاج سید ابراهیم** - بنده در اصل مطلبی که آقای مستشار الدوله فرمودند فقط دو کلمه میخواستم عرض کنم که این مطلبی را که گفتند صحیح است بجهت اینکه ترتیب امورات غیر مالیه را در قانون اساسی معین کرده است که راجع است بمجلس سنا و مجلس شورای ملی و در آنها ایندو مجلس با هم همدم و همدمند اما در امور مالیه بعد از آنکه گفته است مخصوص مجلس است گفته است چطور و بچه قسم مخصوص مجلس است یعنی اینکه اول در مجلس شورای ملی تصویب بشود بعد از آن مجلس سنا هم نظرات خود را در آنخصوص اظهار می‌کند ولی مجلس شورا مختار است در آنکه آن نظرات را رد یا تصویب بکند و اگر هم نگاه باصل قانون اساسی بکنیم نمی‌توانیم بگوئیم که امور مالیه بکلی از مجلس سنا مجزا است فقط چیزی که هست این است که مجلس سنا مداخله اش در امور مالیه مثل مداخله اش در سایر اموریست فقط حق که دارد این است که اطلاعات و نظریات خودش را بگوید بمجلس ملی اظهار بکند و مجلس ملی هم در رد و قبول آن مختار است و در خصوص محاسبات هم ما می‌توانیم امروز رأی بدهیم بر این که فقط منحصر باشد بمجلس شورای ملی اما بملاحظه همان نکات و دقائقی که فرمودند که این امر راجع بمحاسبات کلیه مملکتی است لازم است که این اندازه را بمجلس سنا حق بدهیم که دو نفر یا سه نفری از اعضاء آن در این کمیسیون باشد و با فلسفه وضع قوانین هم هیچ مخالفتی نخواهد داشت که این اندازه در آن مذاکره بشود و باید در این خصوص رأی گرفت

**رئیس** - چون عده زیادی از نمایندگان محترم اجازه خواسته اند مستدعی هستم مراعات مخالف و موافق را بنمایند

**سلیمان میرزا** - بنده همین طور بکه آقای مستشار الدوله فرمودند بچه چوچه نظریات مملکتی

در این جا مجلسین فرض کرد که عرایض حق را بآنجا می‌توانند بدهند و هم چنین باز در اصل ۲۵ در موضوع مینویسد که بهر اسم و بهر عنوان و از هر کسی باشد باید بتصویب مجلس باشد در آنجا هم می‌توان مجلسین فرض کرد که هر دو باید تصویب بکنند و بالاخره مطابق این تفسیر باید هیچ حقی را اختصاص بمجلس شورا ندهیم مثلاً در اصل ۱۸ که میگوید تسویه امور مالیه جرح و تعدیل بودجه در وضع مالیات ها و اوقیر اینها را که بتصویب مجلس موکول منحصر میکنند هر دو مجلس حق برای این که مراد از مجلس بنا بر این دلیل بکه ذکر کرده اند مجلسین است و هم چنین در اصل (۱۰۱) در انتخاب اعضاء دیوان محاسبات که هر چه از ترتیب مالیه مملکت و بودجه است در آنجا است و مخصوص میکند انتخاب آنها را بمجلس شورای ملی و در اصل (۴۶) که باز امور مالیه را منحصر میکند بمجلس ملی در تمام اینجاها ممکن است کلمه مجلس را تفسیر بکنیم بمجلسین و بگوئیم هر دو مجلس در این موارد باسویه حق دارند زیرا که بهمان دلیل بکه فرمودند رسیدگی بحساب را تمام افراد ملت حق دارد و مجلس سنا هم مثل مجلس ملی است پس خوب است اینرا هم حق بدهیم که مجلسین بالاتفاق اعضاء دیوان محاسبات را انتخاب بکنند و اگر اینطور باشد کار بهتر میگردد و بهمین جهت هم ممکن است از برای تفریح بودجه سه نفر از مجلس سنا برای عضویت این کمیسیون انتخاب بشود و آن اشکالاتی را که بنده آن روز در اینخصوص کردم یکی از نمایندگان که حالاً در نظر نیست که کدام يك از آنها بودند جواب فرمودند که از برای اینکه کمتر اختلاف نظر ما بین مجلس شورای ملی و مجلس سنا حاصل بشود بهتر این است که دو نفر هم از مجلس سنا در این کمیسیون باشند که تحقیق و رسیدگی کرده راپورت خودشان را بمجلس سنا برسانند بنده عرض میکنم که باینجهت بهتر این است که اعضاء دیوان محاسبات را هم که انتخاب مینمایند مجلس سنا مداخله داشته باشد زیرا که شامدر اینجا مجلس را تفسیر میکنید به مجلسین تا اینکه سنا هم حق انتخاب دونفر یا سه نفر را در این کمیسیون داشته باشد پس بهتر این است که در انتخاب اعضاء دیوان محاسبات هم مجلس را بمجلسین تفسیر کنید که یک عده را هم مجلس سنا انتخاب بکند تا اینکه هیچ اختلاف نظری پیدا نشود بنده هر چه تصور میکنم می‌بینم که این دلیل کمیسیون راهیچ اهمیتی نمیشود داد زیرا که اگر ما این دلیل را قانع بشویم که چون آنوقت اولین مجلسی که افتتاح میشود مجلس شورای ملی بود و بنا بر این در اغلب جاها لفظ مجلس تنها را ذکر کرده اند و بگوئیم که مراد از آنها تمام مجلسین است باید این وظایفی را که بنده عرض کردم که در اصل ۴۶ مینویسد امور مالیه و در جاهای دیگر میگوید جرح و تعدیل بودجه تعدیل مالیات تغییر حدود و ثغور استقراض دولتی عرض حال تسویه امور مالیه تعیین اعضاء دیوان محاسبات گفت که حق هر دو مجلس است و بالاتفاق حق دارند و بنا بر این مجلس هیچ حق اختصاصی نخواهد داشت این است آنچه را که بنده از این اصلها و مواد

میفهمم و این عرایض را هم که بعضی آقایان رسانیدم هیچ از نقطه نظر مملکتی نبوده زیرا که فایده ندارد و این يك مسئله است که بسته است برای اکثریت مجلس هر وقت اکثریت مجلس نخواست گفتن ما هم فایده ندارد استعدا می‌کنم از آقایان بکه بعد از بنده لا بد بنده رادرد خواهند فرمود باین دلایلی که بنده عرض کردم با اقلیت خودم این تفسیر را قبول نفرمایند زیرا که این تفسیر را قبول بکنید که هر جا که لفظ مجلس ذکر شده است مراد مجلسین است و قتیکه يك مجلس سنانی در این دره یاد آورده دیگر منصفه شد و با اعتراض کرد که چه شد که در مورد انتخاب دونفر از اعضا من در کمیسیون تقیض برای این بکنم بمن حق بدهید حکمه مجلس را بمجلسین تفسیر کردید و در مورد انتخاب اعضاء دیوان محاسبات این تفسیر را نکریدید آنروز دیگر جوابی نخواهد داشت که مجلس سنا راقانع و متقاعد بکند و آنها خواهند گفت که بنا بر این تفسیر مادر تمام حقوق بالاخص شامشربک هستیم و بعقیده بنده این مسئله خیلی مهم است و هر قدر که در آن مذاکره بشود بی‌موقع نخواهد بود برای اینکه آقایان باید فکر بکنند و با کمال دقت در آن رأی بدهند و هر چه بیشتر مذاکره بشود جادارد

**حاج آقا** - تصور می‌کنم بعد از این بیاناتی که آقای مستشار الدوله فرمودند نظریات کمیسیون خوب ظاهر میشد و دلیلان هم نه این دلیل است که در راپورت نوشته شده است یعنی ظاهر قانون اساسی را تصدیق کرده باشند که اینکار از مختصات مجلس است و خواسته باشیم تفسیر بکنیم قانون اساسی را برخلاف ظهور او آن اصل از قانون اساسی بجای خودش صحیح است و همان طور هم باید باشد و فلسفه آن هم معلوم است و آقای مستشار الدوله هم بیان کردند که چون مالیات کلیه تحمیل بر ملت می‌شود باید به تصویب نمایندگان عموم باشد چنانچه در ضمن قانون اساسی هم تصریح باین مطلب شده است ولی مسئله محاسبات مملکتی خودش يك مطلب مستقل مخصوصی است و نمی‌شود گفت که از مختصات مجلس است برای اینکه راجع بامور مالیه است در مقابل پارلمان های عالم همانطور که گفته شد امر مالیه اختصاص بمجلس داده اند که البته باید بتصویب مجلس و نمایندگان عمومی باشد هم در موقع وضع بکمالیاتی برای این که تحمیل می‌شود بر ملت و هم در موقع خرج برای اینکه اینها از طرف آنهاست که مالیات را می‌دهند نماینده هستند و در اصل بجهت قانون اساسی هم چنانچه شاهزاده سلیمان میرزا اشاره به آن کردند همین مطلب را تصریح میکنند می‌گویند که تسویه امور مالیه جرح و تعدیل بودجه تغییر در وضع مالیات ها ردد قبول و عوض فروعات هم چنان ممیزهای جدید که از طرف دولت اقدام خواهد شد بتصویب مجلس خواهد بود ولی تقیض در محاسبه این يك چیزی نیست که راجع بجمع یا خرج یا تعدیل و جرح بودجه باشد یا قیر اینها خوب بود اگر يك جهت مخالفتی این ماده با قانون اساسی دارد آنرا بیان بکنید و همانطوری که فرمودند این راپورتی که داده شده است برای رسانیدن اصل مطلب و ادله

اعضاء کمیسیون کافی نیست ما هم تصدیق داریم که مراد از کلمه مجلس که در قانون اساسی می‌نویسد مجلس شورای ملی است نه مجلسین و تصور هم نمی‌کنم که کسی بگوید مراد مجلسین است ولی فقره در امور مالیه اختصاص بمجلس شورای ملی دارد زیادتر از آن چیزی نیست که در اصل (۱۸) نوشته شده است و حکمتی هم که در اینکار هست که مجبور کرده است تمام عالم را که این اختصاص را بمجلس شورای ملی بدهند همان است که عرض کردم که جمع و خرج يك چیزی است که راجع است بعامه و عموم باید نظارت در آن داشته باشند و اصل (۳۳) متمم قانون اساسی را اگر ملاحظه فرموده باشند در آنجا می‌نویسد که هر يك آن مجلسین حق تحقیق و تفحص در امری از امور مملکتی دارند و واضح است که بزرگتر تحقیق و تفحص در محاسبه مملکتی است و البته معلوم است که در این تقیض نقطه نظرش همان حدودی است که مجلس شورای ملی معین کرده است و از آن تجاوز نخواهد کرد برای اینکه جمع و خرج همان جمع و خرجی است که در ابتداء سال مجلس تصویب کرده است فقط مجلس سنا يك نظارتی می‌کند در اینکه ببیند این چیزی که از مجلس شورای ملی گذاشته است بهمان ترتیب که تصویب شده است عمل شده است یا نشده است و این هیچ مخالفتی با قانون اساسی و اختصاصات مجلس نخواهد داشت و خواهش میکنم اگر کسی مخالفتی در این خصوص می‌بیند فقط آن نقطه نظر مخالفت با قانون اساسی را بیان بکند چون ما می‌بینیم در این ماده قانون محاسبات عمومی که می‌نویسد کمیسیون که تشکیل می‌شود برای تقیض در محاسبات مرکب خواهد بود از اعضاء مجلس شورای ملی و دیوان محاسبات و دو نفر از مجلس سنا این ماده هیچ مخالفتی با قانون اساسی ندارد غیر از اصل ۴۶ که می‌نویسد پس انقضاء سنا تمام امور باید بتصویب مجلس باشد اگر آن امور در سنا یا از طرف هیئت وزراء عنوان شده باید اول در مجلس تنقیح شده با اکثریت آراء قبول و بعد بتصویب مجلس شورای ملی برسد ولی اموریکه در مجلس شورای ملی عنوان میشود بر عکس از این مجلس بمجلس سنا خواهد رفت مگر امور مالیه در این جا می‌توان گفت که آن ماده مخالف با قانون اساسی است بعد می‌گویند مگر امور مالیه که مخصوص مجلس شورای ملی خواهد بود و قرار داد مجلس در امور مذکوره با اطلاع مجلس سنا خواهد رسید که مجلس مزبور ملاحظاتی را به مجلس ملی اظهار نماید ولیکن مجلس مختار است که ملاحظاتی مجلس سنا را در مذاکره لازم قبول یا رد نماید ولی من تصور می‌کنم که این اصل تفسیرش بهمان اصل هفتم و هجدهم خوب است و هیچ منافاتی ندارد برای این که امور مالیه را در آن دو اصل معنی کرده است که یا جمع است و یا خرج ولی راجع بتفریح بودجه با نظارت در امر بودجه که ما بگوئیم در کمیسیون که برای تقیض در حساب ها معین می‌شود که دونفر از مجلس سنا باشد هیچ مخالفتی نیست با این که امور مالیه مختص است به مجلس و حالا سایر نمایان هم





تعقیق و تفحص در هر امری از امور بامجلسین است و یکی از امور مملکت رسیدگی به محاسبات مملکت است و مجلس سنا هم حق رسیدگی و تفحص دارد و اگر چنانچه منحصر بمجلس شورای ملی گردیم مخالف با قانون اساسی است

**نایب رئیس** - اصل ۳۳ مکرر در ضمن نطق آقایان بوده متعجبم که نماینده محترم این اصل را بهانه کرده اند برای اینکه يك نطق مفصلی بفرمایند و اینهم گفته شد که موضوع بودن مجلس سنا و ضرر بودن و نبودنش راجع باین مسئله نیست معینا توجه نمیکنند پس برای اینکه مذاکرات از موضوع خارج نشود بنده مجبور خواهم شد که اخطار کنم.

**امام جمعه** - مسئله خالی از اهمیت نیست طول مذاکره هم عیبی ندارد با خیلی اختصار بنده هم بکچند کلمه ای عرض میکنم چون بنده هم از اشخاصی بودم که در دوره سابق داخل در نوشتن قانون اساسی بودم این اصل ۳۳ که میگوید مجلسین در هر امری از امور حق مداخله دارند این يك حق عامی است پس هر حق را برای او ثابت میکنند استدعا میکنم یک قدری عرض مرا توجه بفرمائید شاید عرض من رفع اختلاف را بکند این اصل ۳۳ که میگوید مجلس حق دخالت در هر امری از امور مملکتی دارند این عام است و سنا را هم شامل است مادامیکه تخصص یعنی استثنائی باو نرسیده است باید عموم اینرا بگیریم و عمل کنیم تفسیر قانون حق نمایندگان است ولی معلوم است نماینده بجنبه عرفیش باید قانون را تفسیر کند ولی نباید از مفهوم ماده یعنی از معانی الفاظ خارج شود اصل ۳۳ میگوید مجلس سنا بهر امری از امور حق مداخله دارد پس این حق را ثابت کرده است این استثنائی ندارد مگر در آن اصل ۴۶ گویا استثنائی دارد اما یک قدری اگر التفات بکنید که بنده آمده را از اول تا آخر ولو اینکه تکرار شود بخوانم شاید رفع اختلاف بشود اصل ۴۶ میگوید پس از انعقاد سنا تمام امور باید بتصویب هر دو مجلس باشد اگر آن امور در سنا از طرف هیئت وزرا عنوان شود باید اول در مجلس تمقیق و تصحیح شده با کثرت آراء قبول و بعد بتصویب مجلس شورای ملی برسد ولی اموری که در مجلس شورای ملی عنوان میشود برعکس از این مجلس بمجلس سنا خواهد رفت مگر امور مالی که مخصوص بمجلس مذکوره باطلاع مجلس سنا خواهد رسید که مجلس مزبور ملاحظات را بمجلس ملی اظهار نماید ولیکن مجلس ملی مختار است که ملاحظات مجلس سنا را بعد از مذاقه لازمه قبول یارد نماید یعنی هر امری که ابتداء او را در مجلس سنا بمجلس وزرا عنوان کردند باید بیاید بمجلس شورای این درست است ولی اموری که در مجلس ملی عنوان میشود برعکس از این مجلس بمجلس سنا خواهد رفت درست التفات کنید مگر امور مالیه مفصود این است که غیر از مجلس شورای ملی مجلس سنا حق طرح قانون مالیه را ندارد استثنائا از قانون مالیه میکنند که چیزی که در مجلس شورای تصویب شد دیگر محتاج بتصویب مجلس سنا نخواهد بود اما نه اینکه سنا در آن حق مداخله ندارد بجهت اینکه آخر ماده را بخوانید تصریح میکنند که چیزی که از امور مالیه در مجلس عنوان شد باید برود مجلس سنا منتها اگر این دو مجلس معارضه کردند رای مجلس ثابت و رای مجلس سنا محفل اعتبار نیست این غیر

از این است که سنا ابدأ حق مداخله ندارد مسئله وضع قانون غیر از مسئله مداخله است اگر این اصل را دقت بفرمائید هیچ اختلافی نیست و گمانم این است که محتاج بمذاکره نباشد.

**نایب رئیس** - رای می گیریم ولی بعضی از آقایان تقاضای رای علنی با اوراق نموده اند تقاضای نامه بمضمون ذیل خوانده شد :

ما امضاء کنندگان موافق ماده (۸۷) در ماده (۴۹) لایحه قانون محاسبات عمومی تقاضای رای علنی با اوراق را مینمائیم (امضاء آقا شیخ غلامحسین با ۸ نفر دیگر).

**نایب رئیس** - بکمر تبه دیگر ماده (۴۹) خوانده میشود (ماده مزبور قرائت شد)

**محمد هاشم میرزا** - اگر در تمام این ماده رای داده شد و رد شد تمام این مواد از میان میرود و حالا اینکه آقایان نظرشان بهمان جزء اول است و نظرشان بتمامی نیست خوب است تفکیک شود.

**ارباب کیخسرو** - بنده چون از اعضاء کمیسیون هستم يك چیزی اینجا افتاده است و آن این است که در کمیسیون عمده معین شده است ۶ نفر از مجلس شورای ملی سه نفر از مجلس سنا و سه نفر از دیوان محاسبات و اینجا خوانده نشد آن روزیکه مذاکره در این ماده میشد یکی از آقایان تقاضا کردند و این ماده رفت بکمیسیون بنده تقاضا میکنم که عمده معین شود.

**مؤتمن الملک** - این ماده رجوع شد بکمیسیون در کمیسیون يك راپورتی ثانیاً نوشته اند طبع و توزیع هم شده است از روی آن بخوانند.

**فهییم الملک** - در کمیسیون مذاکرات عمده نشد سابق که در کمیسیون تفسیر مذاکره میشد يك نفر آنجا تقاضا کرد و حالا همانطور بنده تقاضا می کنم که نوشته شود (۶) نفر از مجلس شورای ملی (۳) نفر از مجلس سنا (۳) نفر از دیوان محاسبات (مجدداً ماده قرائت شد)

**نایب رئیس** - حالا رای می گیریم بماده (۴۹) که موافق راپورت کمیسیون خوانده شد کسانی که موافقتند وره سفید بیندازند.

**وکیل التجار** - اخطار نظامنامه دارم و آن این است چون تقاضائیکه در رای علنی شده است خوب است بدهند يك نفر امضاء کنند که ده نفر بشود چون باید قانونی باشد.

**نایب رئیس** - خوب بود نماینده محترم نظامنامه را ملاحظه می کرد آنوقت این اخطار را می کرد در نظامنامه نوشته است که پنج نفر کافی است بنابراین چهار نفر از این نه نفر زیاد است حالا رای می گیریم کسانی که تصویب می کنند ماده [ ۴۹ ] را بقرتیبی که کمیسیون پیشنهاد کرده است وره سفید خواهند انداخت - در این موقع شروع باخذ آراء گردید و نتیجه استخراج آراء را آقای معاضد الملک بمضمون ذیل اعلام نمود: عمده حضار [ ۷۴ ] وره سفید علامت قبول [ ۴۳ ] وره آبی علامت رد [ ۲۲ ] امتناع [ ۹ ] .

**نایب رئیس** - با کثرت تصویب شد .  
تصویب کنندگان : [ وره سفید ] کاشف . شیبانی . ذکاء الملک . دهخدا . مرتضی قلیخان بختیاری . دکتر امیر خان . شیخ الرئیس . امام جمعه . آدینه محمدخان . آقاشیخعلی . میرزا ابراهیم قمی مؤتمن الملک . معاضد السلطنه . حاج محمد کریمخان . انتظام الحکماء . مصدق الممالک . سردار اسعد ارباب کیخسرو . آفاسید محمد بروجردی . حاج آقا آقا عبدالحسین . حاج دکتر رضا خان . آقا میرزا محمد صادق کردستانی . مستشارالدوله معاضد الملک - مشیرالدوله . میرزا رضای مستوفی حاجی شیخعلی . دکتر حیدر میرزا . رکن الممالک . میرزا مرتضی قلیخان . مدرس . فهییم الملک . متین السلطنه . حاجی میرزا رضا خان (آبی) : تربیت . بهجت . ابوالقاسم میرزا . علیزاده آقا میرزا احمد قزوینی . آفاسید جلیل . آقا میرزا داودخان . آفاسید حسین اردبیلی . زنجانی نجم آبادی . هاشم میرزا . ضیاء الممالک . میرزا رضاخان نائینی . یانس . شیخ غلام حسین نجات . وحید الملک . منتصر السلطان . کرازی سلیمان میرزا . مساوات . دهخوارقانی .

**نایب رئیس** - حالا رای می گیریم بکلیه این قانون و آن بقیام و قعود است ولی استدعا می کنم که آقایان ننشینند که عمده نوشته می شود کسانی که تصویب می کنند کلیه این قانون محاسبات عمومی را بقرتیبی که مواد آن گذشت قیام نمایند - با کثرت [ ۵۶ ] نفر تصویب شد .

**آقاشیخ محمد خیابانی** - مدتی است که در این مجلس رای با اوراق گرفته می شود و این در واقع يك خلاف بزرگی است و سوء اثرش را هم دیده ایم مع ذلک هیچ ملاحظه ندارند در نظامنامه می گویند هر نماینده دارای دو وره است یکی سفید یکی آبی اگر این را ملاحظه بکنند که در وقت انتخاب برای مطلبی در کمیسیون یا جای دیگر يك نفر دو نفر را در بهلوی آن منشی بگذارند که در انتخاب اشتباه نشود در صورتیکه بکنفر اشتباهاً برای يك کمیسیون درآید و قابل هیچ اهمیت نیست ولی در اینجا يك مسئله است که يك رای کم و زیاد يك قانونی از برای مملکت بسته میشود زیرا يك چیزی را دیدم همین ایام برای تصویب يك خرجی با اوراق رای میدادند آقای امام جمعه بهلوی بنده نوشته بود دیدم که در يك وره سفید لفظ آبی نوشته بودند و بعد در روزنامه هم دیدم که وره سفید درآمده بود بنده او را تصدیق میکنم و عرض میکنم که وره آبی را سفید و سفید را آبی ننویسند پس این برای این است که وره آبی را با اسامی ببینند که این آبی است و این سفید بنده مقصودم این بود که با کمال تاکید عرض کنم که هیئت رئیسه باید قبول نکنند آن وره که از اداره مباشرت داده اند او را استعمال کنند .

**نایب رئیس** - بلی این مراقبتی است که باید در آتیه بشود دستور جلسه آتیه شور در مواد (۶۲) و (۶۱) دیوان محاسبات - لایحه وزارت جنگ در گرفتن سوار از ایلات - قانون مالیات تریاک - قانون ثبت اسناد .

**هشتم وادی** - در جلسه گذشته اگر چه خارج از دستور است ولی بعضی از صحبت ها شد راجع بمسالك و در ضمن او بعضی مذاكرات شد چنانچه در روزنامه هم درج شده است حالا بنده میخواهم عرض كنم در نطق شاهزاده سلیمان پیرزا میگوید که بعضی خواهند گفت که ما بیطرف هستیم من این لغت را نمی فهمم یعنی نه این پروگرام را قبول دارم نه آنرا پس لابد خودش يك سلبه ای دارد مثالش را هم میفرمایند که مسلک ما در انتخابات یا مستقیم است یا غیر مستقیم لابد یکی را قبول میکنند پس بیطرف ممکن نیست بنده تقدیس میکنم فرمایش شاهزاده را که توضیح داده اگر این معنی را نکرده بود که معنی بیطرف این میشد يك چیز نامعلومی در واقع این يك وجود مهملی است و هیچ همچو شخصی قابل وکالت نیست یا خودش هم قبول نمیکرد وکالت را و اگر قبول میکرد این خودش يك خوانتی بود بملت خیلی خوب گفتند این را و خیلی طرف ملاحظه است که بیطرف نه این را قبول داریم نه آن این يك وجود مهملی است بیطرف نمیشود ولی چون بنده نسبت باین مسلكهائی که گفته شد در این مجلس بیطرف هستم او را باید بگویم که مرا داداشته است بی طرف باشم در صورتی که خودم يك عقیده و مسلکی دارم و آن شاید پروگرام این فرقه باشد یا آن فرقه شاید یکی را مخصوصاً مسلک بنده است با ادله و براهین آن و در موقع خودش شاید دلیل و برهان آن را عرض كنم و آن هائی که آن پروگرام را نوشته اند بعضی براهین بگویم برای مسلک او که خود نویسنده تحسین بکنند و احتمال دارد که خیر يك چیز مستقیم خودم دارم آنها هم ممکن میشود که بعضی از مواد او را که می دانم خوب است و بعضی از مواد اینرا هم گرفته ام و يك مسلکی را برای خودم درست کرده ام یا اینکه يك مسلکی برخلاف تمام اینها داشته باشم بنده ظاهراً بیطرف ولی باطناً از آن اشخاصی که مستقیماً يك مسلک سیاسی محکمی دارند با اعتقاد خودم دارم حالا همراه پیدا نکرده ام اظهار نمی كنم و بکسی نمی گویم و در خزینه خودم نگاه داشته ام وقتی که آنها صحبت کردند در آن موادی که من قبول کرده ام یارد نموده ام در آن موقع یاردمی كنم یا آنکه قبول می كنم و می گویم صحیح است از برای مملکت این غلط است که بکلی من هیچ نباشم و بی طرف باشم اینرا وجود مهمل میگویند او مثل دیوار است مثل این صندلیها است مهمل است ولی بنده ظاهراً بیطرف شده ام مثل دیوار از فضا از وجود بنده از اول تا حال در کمیسیونها شاید عرض کرده باشم بعضی چیزها در جرح و تمذیل و در مجلس وجود من ظاهراً نمایش دارد که نه این طرف هستم نه آن طرف و نه خودم يك چیزی دارم همچو ظاهرش نمایش دارد بنده شاید در این خصوص دفاع بکنم یعنی این جور شده ام و عمداً اینجور شده ام لکن باید از خودم دفاع بکنم و اینکه من این جور کرده ام بمقیده خودم از آن کارهای صحیح مملکت است و هر کس هم بی طرف هست مثل بنده می توانم عرض كنم که کار صحیح کرده و اگر چه این صحبت را آن روز هم من خارج از موضوع می دانستم که شده است ولی چون شده است لابد عرض

كنم این جور شخص خودش را بی طرف نشان دادن يك وقت اختلافات و طرف را اختلاف مسلکی می داند همیشه فهمیده است که بعضی چیزها نيکه مسلکی نیست صلاح خودش را همچو دانسته است که راضی در يك مسلکی بشود در صورتی که مسلکش با يك طرف مساری است بعضی مسلک با يك طرف است یا این طرف یا آن طرف لکن ذهنش كج رفته است و همچو فهمیده است که آنچه آنها می گویند مسلک خودش است بلکه خوب هم گفته است زیرا عقیده خودش است و بیا كیزه تر چیزی اعتقاد نمی كند می گوید عقیده من بیا كتر است از همه چیز از این دو مسلک یا سه مسلک یکی را اخذ کرده است یا تر از همه چیز می داند لکن مخالفتهای این دو فرقه را مخالفت مسلکی ندانسته و داخل آن اشخاص صاحب مسلک نشده است اگر باین معنی بی طرفیم شاهزاده سلیمان میرزا تاخت بکنند بنده عرض میکنم از تمام اشخاص این مملکت بهترین اشخاص این آدم است که وقتیکه دانست اختلاف آن اختلاف مسلکی نیست و رفت داخل شد پیشرف رین تمام مردم است و نباید رفت و از امروز بنده مجلس را تقدیر میکنم و این را در انقاس فدیه و الاحضرت امای نایب السلطنه می دانم و تقدیس می كنم زیرا از امروز بنده می بینم که این مجلس از غرض حالی است یعنی غرض شخصی نیست بنده من اینطور است که در غرض غرض مسلکی نبوده است غرض مسلکی خواهد شد و آن مسلکی هم که هم مسلک بودم تعاقب می كنم ناچار از آن طرف خواهم بود و طرفداری می كنم اگر کسی دیگر دنبال این را نكرت نه هیچ بنده تمام كردم را اگر دنبال این مطلب را گرفت انوقت شاهد و ادله و افرار اینكه از طرفین دارم که خودشان اقرار کرده اند در يك جائی و شاید در همین جا اختلاف اختلاف مسلکی نیست اینرا می آیم با فلسفه ابراز می كنم و اگر کسی اظهار نكرت و این مطلب را ختم کردند که من هم تقدیس می كنم از اینکه از امروز اختلافات مسلکی است و من هم داخل مسلک سیاسی خواهم شد و طرفداری هم میکنم ولی اگر کسی حرف دارد با حرف بنده نا حالا اجازه بخواهم و بگویم ( اظهاری نشد و حرکت کردند نمایندگان )

**نایب رئیس** - آقایان تحمل بفرمائید عرض كنم چون مجلس کار بسیار دارد و کارها متراکم شده است جلسه آنبه فردا را دو ساعت بفروب اطلاع می دهم که جلسه علنی است .  
مجلس سه و ربع از شب گذشته ختم گردید .

**جلسه ۲۱۴**

**صورت مشروح روز چهارشنبه**

**۲۲ شهر صفر ۱۳۲۹**

مجلس سه ربع قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای ممتاز الدوله تشکیل شد صورت جلسه روز سه شنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمود .

(قائبین جلسه قبل)

آقای حسنعلی خان - حاج وکیل الرعایا - سپه دار اعظم - آقای سید محمد باقر ادیب بلا اجازه .  
حاجی سید نصرالله - ادیب التجار - با اجازه .  
آقا میرزا مرتضی قلیخان - دهخدا - دکتر -

حیدر میرزا - سردار اسعد - در موقع مقرر حاضر نشده اند  
لسان الحکماء - لواء الدوله مریم بودند .  
رئیس - آقای حاجی عزالمالك در صورت مجلس فرمایشی هست .

**حاجی عزالمالك** - آقا سید محمد باقر ادیب را بنده اطلاع دارم که مریمضند و از این جهت غیبت کرده اند دیگر اینکه امتناع کنندگان هم باید اسامیشان در صورت مجلس نوشته شود .

رئیس - در آن مسئله اولی که فرمودید آقای ادیب باید بنویسند و اجازه بخواهند .

**ارباب کیخسرو** - آقای آقا سید محمد باقر ادیب اجازه نامه نوشته بودند و فرستاده اند و در آنجا هم قرار بود که اطلاع بدهند که با اجازه بنویسند نمیدانم چه شده است که نوشته اند اجازه شان رسیده است .

رئیس - دیگر ملاحظه در صورت مجلس نیست (چون اظهاری نشد رئیس صورت مجلس را امضاء نمود)

**معاضد الملک** - در خصوص امتناع کنندگان چون در نظامنامه داخلی فقط تصویب کنندگان و رد کنندگان را نوشته است از این جهت امتناع کنندگان را در این جا درج نکرديم راپورت کمیسیون و این راجع بقانون محاسبات قرائت شد .

ماده ۶۲ و ماده ۱۴۰ که از مجلس بکمیسیون رجوع شده بود در تحت مذاکره در آورده و بترتیب ذیل اصلاح و بمجلس پیشنهاد مینماید :

ماده ۶۲ هر گاه مدتی که از طرف دیوان محاسبات معین شده منقضی شود و صاحب جمع مزبور صورت حساب را تسلیم ننماید دیوان محاسبات میتواند بجرم این تأخیر او را محکوم بیک جزای نقدی نماید که از نصف مواجب و مدد معاش سالپانه و با حق الجماله متجاوز نباشد و نیز میتواند نسبت با اهمیت موقع انفصال موقتی و یا عزل دائمی او را از وزارتخانه متبوعه اش بخواهد این پیشنهادات با شرایط نظارت و ریاستی که ادارات دولتی نسبت بمأمورین خود دارند منافات نخواهد داشت اگر چنانچه صاحب جمع با زهم از ارائه حساب امتناع نماید بحکم دیوان محاسبات حساب صاحب جمع با اهتمام مدعی العموم مرتب و بدیوان محاسبات تسلیم میشود که پس از رسیدگی در باره آن حکم صادر کند هر نوع مخارجی که از این بابت حاصل شود بمعهده صاحب جمع است .

**فهییم الملک** - اول این ماده را بطوریکه عرض می كنم اصلاح بفرمائید . دیوان محاسبات میتواند بجرم این تأخیر امر نماید - مبلغی که از نصف مواجب و مدد معاش سالپانه و با حق الجماله متجاوز نباشد و آن جمله «او را محکوم بیک جزای نقدی نماید» حذف شود .

**حاجی سید ابراهیم** - اینجا مذاکره در این ماده شد باعتبار همان لفظ جزای نقدی برگشت به کمیسیون و آقای آقا سید حسن اینجا بیان فرمودند که جزای نقدی چون در شرع نداریم از اینجهت باید برود بکمیسیون و اصلاح بشود و بنده بر خلاف ایشان عرض كردم جزای نقدی در شرع خیلی داریم اگر مرادشان این است که برای صاحب جمع جزای نقدی معین نشده برای خیلی چیزها با خصوص جزای